

از خاندان مستوفیان تا مصدق

اولین شخصیت خاندان مستوفیان آقا محسن آشتیانی میباشد که کریم خان زند پس از بقدرت رسیدن پیاس خدمات آنان را نزد خود فرا خواند.

فرزندان آقای آشتیانی بنام های محسن، کاظم، هاشم و آقاسی بودند که در دستگاه کریم خانی به القاب بیک، میرزا، و خان مفتخر گردیدند.

در فاصله درگذشت کریم خان (۱۷۷۹) تا نابودی لطفعلی خان (ژوئن ۱۷۹۵) آغا محمد خان قاجار به نابودی و قتل خاندان زند مشغول بود. با تمام کشتار ها هنوز به نام میرزا کاظم مستوفیان آشتیانی بر میخوریم که در دستگاه آغا محمد خان به مقام ها ئی نیز میرسد.

شاخه های جدا شده از آقا محسن آشتیانی جد بزرگ محمد مصدق سه شاخه هاشم خان، میرزا کاظم و آقاسی بیک است که محمد مصدق از شاخه شاخص میرزا کاظم میباشد که پدر او میرزا هدایت الله وزیر دفتر اول است و دو برادر دیگرش میرزا حسن وزیر دفتر دوم و میرزا علی موثق السلطنه میباشدند. احمد متین دفتری و هدایت الله متین دفتری از فرزندان میرزا حسن وزیر دفتر دوم بوده اند که در تاریخ ایران از آنان بسیار نام برده شده است.

از شاخه هاشم خان به افرادی مانند؛ وثوق الدوله، قوام السلطنه، معتمد السلطنه میتوان اشاره نمود. لقب وزیر دفتر زمانی به میرزا هدایت الله داده شد که معیر الممالک به وزارت مالیه یا با گویش امروز وزارت دارائی منصوب شده بود. (۱۸۷۳).

در آغاز سلطنت مظفر الدین شاه (۱۲۹۱ هجری خورشیدی = ۱۸۹۶ میلادی) محمد حسین پسر میرزا هدایت الله وزیر دفتر واگذار شد. پنج ماه بعد که عبدالحسین میرزا فرمانفرما با توطئه و نیرنگ اتابک امین السلطان را به قتل میرساند چون میرزا محمد حسین از گروه اتابک بود او را نیز ساقط میکند (دسامبر ۱۸۹۶).

پس از کشته شدن اتابک اختلافاتی بین خانواده آشتیانی افتاد و عبد الحسین میرزا فرمانفرما دانی مصدق از همکاری خواهر زاده اش بهره مند شد و خانواده میرزا حسین د طرف اتابک باقی ماند. محمد مصدق اولین افتخار اداری را در حالیکه ۱۷ سال بیش نداشت با سمت مستوفی خراسان آغاز میکند.

افرادی که جیره خوار و یا حتی طرفدار یک کشور استعماری خارجی بوده باشند و بنفع آن کشور خدماتی کرده باشند با صفت جاسوس یاد میکنند که در خانواده آشتیانی این لقب به فیروز میرزا نصرت الدوله، عبدالحسین میرزا فرمانفرما، نصرت الدوله فیروز و مظفر فیروز که چهار نسل متوالی به عنوان جاسوس انگلیس در خدمت اجانب بوده اند. مظفر فیروز در سال های قبل از فتنه خمینی به طرفداری از چپی ها و به جیره خواری از جانب انگلیس بر ضد شاه و حکومت آنزمان سخنرانی و مقاله نویسی مینمود. از جمله افرادی که به او لقب جاسوس به معنای اخص کلمه میدهند دکتر احمد متین دفتری است. وی علاوه بر اجرای فرامین اربابش انگلستان به گزارش های جاسوسی و مخفی نیز مبادرت میورزید.

مصدق از این اعمال دامادشان بروشنی آگاهی داشت و هیچگاه مانع آن نشد. وکیل مدافع مصدق در خاطراتش مینویسد مصدق از دامادشان با نیکی یاد میکرد و از بردن نام او "بهیچوجه ککش هم نمیگزید".

جاسوسی میرزا احمد خان به انگلیس ختم نمیشد و او همزمان برای سفارت آلمان و همچنین انگلیس کار میکرد. میرزا ابوالقاسم خان کحال زاده منشی سفارت آلمان در زمان جنگ اول جهانی در خاطراتش به تماس های محرمانه آقا میرزا احمد خان دفتری متین الدوله اشاره دارد و این حرکت او را به آلمان دوستی نسبت میدهد. وی پس از استعفای منشی یاد شده مدتی در این پست به خدمت آلمان ها در آمد.

مصدق در بیشتر موارد سیاسی از دانی خودش عبد الحسین میرزا فرمانفرما تقلید میکرد و در زمانی که فرمانفرما با استناداری آذربایجان رسید مصدق را به عنوان نماینده خویش در تهران تعیین کرد. رمزی بین خود قرار دادند و او تمام تلگراف ها و نوشتار ها را با دانیش رد و بدل میکرد و آنها را با محمد علیشاه در میان میگذاشت.

بهمین صورت هنگامیکه مصدق در سال ۱۹۲۲ (۱۳۰۰ خورشیدی) به استناداری آذربایجان منصوب شد احمد متین دفتری برادر زاده و داماد خود را بعنوان نماینده خود در تهران به دولت رضا شاه معرفی نمود.

متین دفتری که از سالها پیش به جاسوسی و خوش رقصی برای سفارت انگلیس مشغول بود خیر های با ارزش دیگر از داخل نظام شاهنشاهی را به انگلیسی ها میرساند. از طریق همین گزارش ها بود که اسماعیل آقا سمیتقو از اسرار و نقشه های نظامی آگاه میشد. رضا شاه به امر پی برد و دستور داد رمز دیگری بطور مستقیم بین حبیب الله خان شیبیانی فرماتده ارتش در آذربایجان و مرکز برقرار شود و مطالب خلاف واقع و دروغین را مبادله کنند.

چون نیت مصدق بر سردار سپه مشخص شد دستور داد به دستورات مستقیم مصدق ترتیب اثر داده نشود و از قبول دستورات مستقیم او خودداری گردد.

رضا شاه متوجه شده بود که شبنامه های منتشره در تبریز را سفارت انگلیس رهبری کرده و یکنفر روسی را برای توزیع و پخش آنها اجیر کرده بودند. اینکار برای بهم زدن روابط با روسیه شوروی برنامه ریزی شده بود.

چون رضا شاه به سرتیب شیبانی نیز مشکوک شده بود او را نیز با سرتیب امان الله جهانبانی عوض نمود. چند روز پس از ورود سرتیب شیبانی مصدق کسالت و بیماری را بهانه کرد و به استعفا داده درخواست مراجعت به تهران را نمود. (۱۹۲۲)

در سال های ۱۳۰۹ شخصی بنام تقی ارانی که تحصیلات خود را در رشته فیزیک و شیمی در آلمان تمام کرده بود و با نظرات مارکس و لنین و آنگلس آشنائی کامل پیدا کرده بود به ایران آمد و شروع به تبلیغ اصول کمونیسم کرد. ارانی به بهانه مسافرت به انگلیس از راه روسیه از مسکو سر در آورد و در کنگره احزاب کمونیست در مسکو شرکت نمود. وی پس از مراجعت با داشتن اجازه تاسیس حزب کمونیست از کمینترن سی نفر از همفکران خود را در این حزب جذب نمود. ایرج اسکندری از ایادی بریتانیای کبیر خود را با ارانی نزدیک نمود و بانتشار مجله "دنیا" اقدام کرد. اسکندری با ارانی همکاری نموده و در تشکیل حزب کمونیست ایران موثر بوده است.

همین افراد با دسیسه پس از تاسیس دانشگاه تهران که با مشکلات زیاد و با اصرار رضا شاه در سال ۱۳۱۳ خورشیدی صورت گرفت اعتصاب دانشجویان را دامن زدند. دولت انگلستان همیشه سعی کرده سر ما را به دست دشمن بکوبد و خود بالبی خندان در کناری به تماشا بایستد. لذا ترتیب تلاشی شدن حزب کمونیست را در زمان جنگ جهانی دوم بدست آلمانی ها تدارک دید؛ چند تن از ایادی خود مانند احمد متین دفتری را به عنوان وزیر دادگستری و عبد العلی لطفی را در سمت رییس دادگاه های جنائی استوار نمود و با استفاده از خدمات آنان یکی از اعضای حزب کمونیست را که به قلمرو شرکت نفت انگلیس و ایران تجاوز کرده بود را به تهران آوردند و بر اساس اقرار های وی موفق شدند که اکثریت اعضاء حزب را دستگیر نمایند.

متین دفتری و لطفی که مامور انگلیس میبوده اند تمام کار هائی را که کردند به رضا شاه نسبت دادند و هر بار عنوان کردند "اوامر شخص اعلیحضرت همایونی" است و آنرا مستقیم به رئیس شهربانی ابلاغ کرده اند. بطوری که سید ضیاء الدین طباطبائی که نخست وزیر کودتای ۱۲۹۹ لقب گرفته در مجلس به مصدق گفت: "داماد شما اساس عدلیه را بر هم زده است ۵۳ نفر آزادی طلب را به محبس انداخته و کشته، شما استیضاحی نکردید شما سنوالی نکردید، نرفتید و نگفتید داماد من نکن، ول کن، خودت را بکش مردم را نکش".

با فشار هائی که انگلیس ها به رضا شاه میآوردند او مجبور شد متین دفتری را در سال ۱۹۳۹ به نخست وزیری منصوب نمود.

انگلیس به دسایس معمول و متعدد خود در سال ۱۹۳۹ (۱۳۱۸ خورشیدی) با حقه بازی میزان کاهش در آمد شرکت نفت انگلیس و ایران را بجای حدود ۱۶% به ۳۸% کمتر نشان داد و از این بابت پرداختی آنان به دولت رضا شاه بسیار ناچیز گردید و شایع کردند که این روند ادامه خواهد یافت.

هرگاه رضا شاه متین دفتری را مورد سنوال قرار میداد وی جواب میداد "خاطر مبارک آسوده باشد، مشغول اقدام طبق اوامر مبارک هستیم..." چنین دروغ پردازی هائی در طول دوره صدارت بسیاری از نخست وزیران ایرانی که به طریقی به خاندان آشتیانی نسبت داشته اند ادامه داشته و هنوز در جریان است.

رضا شاه که هیچگونه توهین و اهانت به ایران به ایرانی، خود و خانواده اش را تحمل نمیکرد به انگلیس امکان داده بود که هرگاه میخواستند او را عصبانی کنند به طریقی چه از طریق روزنامه های محلی و چه توسط ایادی شان به ایران و ایرانی و یا شخص وی اهانت میکردند.

کیخسرو و بهرام شاهرخ - پدر و پسر- که خوش خدمتی آنان به انگلیس ثابت شده است در دو دوره متوالی در راس اداره رادیو قرار گرفتند. آقای شاهرخ که گوینده فارسی رادیو برلن در زمان جنگ جهانی دوم بوده و اهانت های سنگینی به رضا شاه میکرد. بعد ها در دو دوره متفاوت بدلیل فشار های انگلیس در زمان محمد رضا شاه به اداره امور رادیو گمارده شد.

محمد رضا شاه گفته بود " این دفعه، این تو بمیری از آن تو بمیری ها نیست! انگلیسی ها باید بدانند که با تحمیل جاسوس خود بر راس تبلیغات، قرار داد الحاقی ننگین نفت بتصویب نخواهد رسید".

یکی از دلایل انتصاب متین دفتری به نخست وزیری از نظر رضا شاه استیفای حقوق ملت ایران از شرکت نفت انگلیس و ایران بود ولی بروز بحران در روابط ایران و روسیه و تشدید آن توسط ایادی انگلیس تمام وقت و تلاش رضا شاه را مشغول داشت و موجب شد که رضا شاه موقتا از تعقیب جدی مسئله خودداری نماید.

شواهد کافی وجود دارد که این توطئه را محمد مصدق طرح ریزی کرده و کارگردانی عملیات را بعهده داشته است، بعلاوه مطالب و اخبار بسیار محرمانه ای را که احمد متین دفتری به انگلیس میرساند از ناحیه مصدق تهیه و تنظیم شده و همچنین با احتمال قوی اطلاعات و اخباری را که کیخسرو شاهرخ از رادیو پخش میکرده از جانب محمد مصدق تهیه و یا تدارک میشده است. این اطلاعات حتی توسط متین دفتری به سفارت آلمان تحویل میشده و جوهی را از طریق همین آقای دکتر احمد متین دفتری دریافت میکردند. متین دفتری هم از آلمانی ها و هم از انگلیسی ها پول دریافت میکرده است.

نیرو های آلمانی در پی تصرف لا شاریته کنار رود لوآر به قطار ویژه ای دست یافتند که اسناد محرمانه سر فرماندهی فرانسه را حمل میکرد طرح محرمانه حمله به قفقاز نیز در میان این اسناد بود. در بین این اسناد حمله به تاسیسات نفتی باکو با استفاده از پایگاه هوایی ایران که قبلا به اصرار و پشتکار متین دفتری و با ارتباط با انگلیس ها ساخته شده بود به دست آلمان ها افتاد. این واقعت مهمی را راجع به متین دفتری برای آلمان ها روشن ساخت. آلمان ها دانستند که او بصورت دو جانبه کار میکند. مراتب را با اطلاع رضا شاه رساندند و اعلام داشتند که بنظر میرسد شاه با اینکار بی طرفی را کاملا رعایت نکرده و لذا اخطار شدید دادند. این دسیسه مصدق-شاهرخ-متین دفتری به برکناری متین دفتری منجر شد.

رضا شاه بسیار زیرک تر از این ها بود و هرگاه اختلاس یا گناهی از اطرافیان را کشف میکرد آنها را با متانت تحمل میکرد و به شهربانی و کار آگاهان دستور میداد اسناد لازم را جمع آوری کنند وقتی کاملا جرم مسجل میشد دستور بازداشت و یا دستگیری را میداد. در مورد توطئه محمد مصدق نیز بهمین صورت عمل شد. وقتی نتایج حاصله از نقشه متین دفتری و مصدق که توسط رئیس شهربانی در صبح روز ۴ تیر ماه ۱۳۱۹ به آگاهی رضا شاه رسید در حالیکه بشدت عصبانی بود دونفر احمد متین دفتری و علی اصغر حکمت را بحضور پذیرفت و در آن جلسه چه گذشته بر کسی روشن نیست ولی با احتمال قوی رضا شاه با فحش و ناسزا و شاید هم با کتک این دو تن (نخست وزیر و وزیر کشور) را اخراج و در منزلشان تحت نظر داشت.

رضا شاه از متهم کردن علنی این جاسوسان انگلیسی در میان اولیای امور و راه انداختن سر و صدا خودداری کرد. این کار رضا شاه بعد ها توسط ایادی فراماسونی و انگلو - اسلامیست ها بعنوان دیکتاتوری بحساب گذاشته شده در حالیکه او ترجیح میداد بجای بی آبرو کردن این افراد را به بهانه های دیگر بر کنار کند.

مصدق در باغ بیلاقی خویش مرتب با کیخسرو شاهرخ ملاقات داشته و از آنجا که رضا شاه به روابط آنها پیر برده بود و ویلاي مصدق در حوزه کلانتری تجریش بود بدستور رضا شاه رییس کلانتری به آن باغ رفته و درظهر روز ۴ تیر ۱۳۱۹ دستگیر میکنند؛ درحالیکه طرفداران مصدق مدعی هستند او تا قبل از دستگیری در احمد آباد سکونت داشته. (سکونت داشته ولی کار های پنهانی را از ویلاي تجریش انجام میداده!)

روزنامه اطلاعات در آژمان نوشت: بر حسب اراده ذات مقدس شاهنشاهی آقای متین دفتری برای استراحت از خدمت معاف و همچنین آقای حکمت وزیر کشور هم برای معالجه از خدمت معاف گردیده است. اطلاعات روز ۵ تیر ماه ۱۳۱۹.

پس از کشف اسناد جنگی متفقین توسط آلمان ها دولت روسیه از این که ایران موافقت کرده بود هوایما های شناسایی متفقین از فراز ایران پرواز کرده و طرح بمباران تاسیسات نفتی بادکوبه را به اجرا در آورند سخت بر آشفت. رضا شاه در جهت رفع موضوع هینتی به مسکو فرستاد. بدنبال آن با اصراری که ایران کرد شاهرخ نیز از رادیو برلن برکنار نمود و در ژوئن سال ۱۹۴۱ او را از آلمان اخراج نمود.

در دوره چهارم مجلس احمد قوام السلطنه ۳۰ ژانویه ۱۹۴۶ بدنبال حیلہ بازی های عمو زاده خود(مصدق) با او سازش نموده قبول میکند تعدادی از افراد فامیل و از جمله متین دفتری (داماد و نوه برادر- مشاور وزیر)، مرتضی قلی بیات (خواهر زاده - وزیر دارائی)، سر لشگر محمد حسین فیروز (پسر دانی - وزیر راه) و شمس الدین امیر علانی (گوش به فرمان دانی مصدق -وزیر کشاورزی) را در کابینه وارد کند.

مصدق در سال ۱۳۲۸ خورشیدی در اولین دوره مجلس سنا از تهران به سمت سناتوری انتخاب شد. در همان روزگار ریاست شرکت ملی نفت توسط خویشاوند مصدق بنام سهام السلطان بیات اداره (پخوانید خرابکاری) میشد که بعد منوچهر فرمانفرمایان بعنوان اولین رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت نفت انتخاب (منصوب) شد.

مصدق هنر پیشه خوبی هم بود؛ گاه تظاهرات مصلحت آمیز میکرد و غش میکرد و خودش را به بیماری میزد؛ روزنامه شاهد دوشنبه ۹ آبان ۱۳۲۸ مینویسد مصدق در حضور جناب آقای فولادوند فرماتدار اعلام میکند آتهانی که نمیخواهند من انتخاب شوم اگر نمی آمدم به ماده ۲۴ استناد میکنند که حق انتخاب شدن من ساقط میشد انوقت پاکتی را به فرماتدار میدهد و دچار ضعف میشود. چند بار غش و ضعف و سخرانی ادامه میابد تا اینکه دکتر لقمان الملک او را مداوا میکند. اخذ رای میشود و ۱۵ نفر از لیستی که قبلا انتشار یافته بود اکثریت لازم برای سناتوری را کسب میکنند که نفر دوم متین دفتری است. مصدق بعد از رای گیری میخواهد که پاکتی که فرماتدار داده را باز کند و با عصبانیت از جا برخاست و ورق جوف پاکت لاک و مهر شده را از دست نماینده استنادار تهران گرفت و اسامی انتخاب شدگان را خواند پس از ذکر هر نام میگفت "خط بزنید". سپس به تفسیر میردازد و میگوید این آقایان میخواستند سناتور شوند چطور شد که یک چنین اتفاق آراء بیسابقه ای حاصل شد؟ برای اینکه دولت به آقایان وعده سناتوری انتصابی یا کار های دیگر داده است.

مبارزات انگلیس و ایران بر سر ملی شدن نفت به اوج رسیده بود. کشف قسمتی از اسناد محرمانه شرکت نفت انگلیس رویداد مهم دیگری است که دولت ایران در آن زمان تثب کرده است. انتشار این اسناد در زمان خود موثر ترین سلاح پیکار با استعمار گران انگلیسی و غاصبان نفت را بنحو تعیین کننده ای یاری کرد. با کشف این اسناد پرده ها بالا رفت و بند و بست ها و رشوه خوارها بر ملا شد. ملت آگاه شدند که چگونه عده از سناتور ها و بعضی از ایرانیان بضع بیگتانهان بازی میکنند و مصالح مملکت را زیر پا میگذارند. ماجرای خانه سدان از این قرار بود که اداره انتشارات و تبلیغات شرکت نفت انگلیس در پاساژ برلیان در خیابان نادری زیر پوشش مطبوعاتی، انتشاراتی و تبلیغاتی فعالیت میکرد. در واقع مرکز پرونده سازی به نفع انگلیس و بر علیه ایران بود.

سازمانی بنام "سازمان ملی نظارت و خلع ید" توسط جمعی از روشنفکران که صادق هدایت نیز در ابتدا از جمله آنان بود تشکیل شد. چند تن از کارمندان میهن پرست شرکت نفت نیز با آنان ارتباط برقرار کردند. این سازمان در روز ۲۶ خرداد ۱۳۳۰ پس از پانین آوردن تابلوی اداره مرکزی شرکت نفت تمام جایگاه های فروش نفت و بنزین را در تهران و مخازن نفت را در شهر ری تصرف و مورد محافظت قرار داد. یکی از کارمندان بنام امیر حسین پاکروان که توسط صادق هدایت معرفی شده بود به دکتر بقائی آگاهی میدهد که عده ای پرونده های محرمانه اداره انتشارات را خارج کرده و بخانه سدان در کوچه ایرج واقع در قوام السلطنه میبرند. پرونده های مهمتر به سفارت در قلهک منتقل میشد.

دکتر بقائی دستور تصرف اداره انتشارات را در تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۵۱ میدهد ولی اسناد مهمی بدست نمی آورند. ماموران سازمان نظارت و خلع ید با راضی کردن سرلشگر زاهدی و آقای ناصر وثوقی قاضی دادگستری به همراه یک افسر با شرف پلیس با عده ای پاسبان در ساعت ۱۱ صبح به خانه مستر سدان دیپلمات انگلیسی وارد شدند و پس از وقت تلف کردن های بسیار به بهانه تماس با سفارت انگلیس هنگام دست یافتن به اسناد بعضی از آنها در حال سوختن در بخاری ها بود.

مصدق کمیسیون تعیین نمود تا به کار خانه سدان رسیدگی شود. یکی از اسنادی که توسط مترجم رسمی وزارت دادگستری ترجمه شد ثابت کرد که تنی چند از سناتور ها، وکلا و مقامات با شرکت نفت انگلیس ارتباط داشتند. سند شماره ۱۴۲۷ بتاریخ ۱۸-۶-۱۹۵۱ از: ای سی دریک به: ب-و- جاکسون نشان از ارتباط متین دفتری و استعمال متین دفتری راجع به پول بود.

دولت مصدق وارد عمل شد و خلع ید از شرکت نفت را عهده دار گردید مهندس بازرگان وقتی دکتر حسابی کناره گیری کرد بجای او انتخاب شد. دکتر بقائی از حضور دکتر متین دفتری نگران بود و اسناد را به دفتر مصدق میرساند و برای اینکه مصدق جا نخورد با استفاده از مقدمه ابولهب عموی پیغمبر و بد رفتاریش صحبت میکند ولی مصدق چون از کثافت کاری داماد و نوه برادرش مطلع بود بروی خود نمی آورد.

در سفر مصدق به آمریکا، آمریکائی ها قول میدهند (ژرژ مک کی - معاون دایم وزارت خارجه) مبلغ ۲۰ میلیون دلار طی شش ماه به ایران بدهند. ولی بدلیل اعتراض سفیر انگلیس به آقای آچسن وزیر خارجه وقت آمریکا هیچگاه این پول به ایران داده نمیشود. سنوال اینجاست که چه کسی به سفیر انگلیس اطلاع داده بود چنین مذاکره و قول و قرار شده بجز اینکه مصدق با اصرار متین دفتری را هنگام عزیمت از ایران جزو همراهان قرار داده بود. یا آقای ژرژ مک کی جاسوس انگلیس بوده یا آقای متین دفتری و یا خود مصدق.

بر اساس اسناد موجود محمد مصدق و حاجیعلی رزم آرا هر دو در صدد واژگون کردن رژیم پهلوی و تاسیس یک رژیم جدیدی میبوده اند. شاه از نیت رزم آرا مطع بود ولی بدلیل جاه طلبی های مصدق و حيله گری هایش و تملق گویهای و عوام فریبی هایش کسی به میهن پرستی او شک نمی کرده!!

رزم آرا سازمان تروریستی مجهزی ترتیب داده بود که مصدق از آن آگاه بوده و اداره آن با محمد دفتری نوه برادر و برادر داماد مصدق بود. اولین مرحله اجراء ترور آنها سوء قصد بجان محمد رضا شاه پهلوی در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ بود. همه تصور میکردند که قتل رزم آرا را شاه تدارک دیده ولی شواهدی در دست است که آن کار هم از طراحی های مصدق بوده.

آیت الله کاشانی با محمد مصدق و همچنین رزم آرا دشمنی دیرینه داشت و از آنان متنفر بود. همان شب که سوء قصد به جان محمد رضا شاه صورت میگیرد شبانه فرماتده دژبان محمد دفتری با نردبان به خانه کاشانی حمله برده اورا به دژبانی آورده آنقدر میزنند که خون استفراغ میکند. پس از این واقعه تمام روحانیت از کاشانی حمایت میکند تا از تبعید برگردانده میشود. از این زمان بین جبهه ملی شکاف افتاد و کاشانی از مخالفین مصدق و طرفدار دکتر بقانی و حسین مکی و حانری زاده میشود.

طرفداران متعصب مصدق بر مبنای ظواهر وقایعی که بین ۲۵ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رخ داده سرتیپ محمد دفتری را خیانتکار درجه یک خوانده اند و از مصدق یادی نمی نمایند. پسر مصدق مینویسد؛ چون خود را از سران کودتاچی میدانست بیدریغ پس از آن خیانت بزرگ به غارت و چپاول اموال دولت پرداخت و بالاخره کارش به زندان کشید ولی شاه مدتی او را عفو کرد چندی بعد با بد نامی درگذشت.

عده ای چنان وانمود کرده اند که محمد دفتری از مصدق متنفر بوده لذا با او خیانت کرده ولی تمام اسناد موجود نشان میدهد که مصدق از او حمایت میکرده وحتا تا آخر لحظه اعتماد خود را نسبت با او سلب نکرد تا جانی که در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دو پست بسیار مهم ریاست شهربانی و فرمانداری نظامی تهران را به محمد دفتری داده بود.

خلاصه بالا با استفاده از کتاب مستند و مستدلی که به همت کاونده و نگارنده ارجمند آقای مهدی شمشیری تحقیق و منتشر شده است تهیه شده. کتاب جزئیات بسیاری را در مورد خاندان آشتیانی و مصدق روشن میکند که خواندن آنرا به ایران دوستان گرامی شدیداً توصیه مینماید. برای تهیه و آگاهی بیشتر در مورد کتاب به www.iranianalliance.org مراجعه فرمایند

از مستوفیان آشتیانی تا مصدق